



آغاز زیبا و سرانجام زشت

چگونه بر نامه‌هایی که مهدی عباسی شروع کرد همه چیز را به نفع عباسیان دگرگون ساخت ولی سرانجام چهره اصلی او آشکار گردید.

به صاحبان آنها تحویل داد و مقدار زیادی از موجودی خزانه بیت المال را در میان مردم تقسیم کرد (۱) طبق نوشته «سعودی» مورخ معروف، مجموع اموالی که منصور بزرگوار مردم گرفته بود، بالغ بر ششصد میلیون درهم و چهار صد میلیون دینار بود!! و این مبلغ غیر از مالیات اراضی و خراج‌هایی بود که منصور در زمان خلافت خود از کشاورزان گرفته بود (۲) و چون بدستوری تمام این اموال بعنوان «بیت المال مظالم!» در محل مخصوصی نگهداری می‌شد و نام صاحب هر مالی روی آن نوشته شده بود، مهدی همه آنها را تفکیک نموده به صاحبان اموال یساورات آنها تحویل

دوران سیاه خلافت منصور که سایه شوم آن در سراسر کشور اسلامی سنگینی می‌کرد، با مرگ وی پایان رسید و مردم پس از ۲۲ سال تحمل رنج و فشار، نفس راحتی کشیدند.

پس از وی فرزندش محمد معروف به «مهدی» روی کار آمد. زمامداری مهدی ابتداء با استقبال گرم مردم روبرو گردید، زیرا وی نخست، در باغ سبز به مردم نشان داد و با اعلام فرمان عفو عمومی تمام زندانیان سیاسی را (اعم از بنی‌هاشم و دیگران) آزاد ساخت، و به قتل و کشتار و شکنجه و آزار مردم خاتمه بخشید، و تمام اموال منقول و غیر منقول مردم را که پدرش منصور مصادره و ضبط کرده بود،

۱- تاریخ یعقوبی ج ۳ ص ۱۳۲

۲- مروج الذهب ج ۳ ص ۳۱۲

کردند، ترتیب اثر نداد و گفت: «آن دم خوش است که در بزم بگذرد و زندگی بدون ندیمان در کام من گوارا نیست» (۲)

وی بقدری در این راه افراط می کرد که حتی گوش به نصایح و اندرزهای وزیر خردمند و با فضیلت خود بنام «یعقوب بن داود» نمی داد، او که هرگز در امور کشوری از نظریات یعقوب عدول نمی کرد و نقشه ها و برنامه های او را صد درصد بمورد اجرامی گذاشت، وقتی پای بزم و عیش و نوش به میان می آمد، به سخنان منطقی و بیغرضانه او ترتیب اثر نمی داد. یعقوب که از فساد و آلسودگی دربار خلافت و بوالهوسی خلیفه رنج می برد، وقتی مشاهده می کرد که اطرافیان مهدی در قصر خلافت اسلامی! و در حضوری بساط میگساری گسترده اند، می گفت: «آیا برای همین کارها وزارت را بعهدۀ من گذاشته و مرا به این سمت منصوب نموده ای؟ آیا صحیح است که بعد از پنج نوبت اقامۀ نماز جماعت در مسجد جامع، بر سر سفرۀ شراب بنشینم؟»

ولی ندیمان خلیفه که عادت کرده بودند باینست - المال مسلمانان شب و روز به خوشگذرانی پردازند، سخنان یعقوب را به باد تمسخر گرفته مهدی را به باده گساری تشویق می نمودند و گاهی بزبان شعر می گفتند:

فَدَعَ عِنكَ يَعْقُوبُ بِنَ دَاوُدَ جَانِبًا
وَاقْبَلْ عَلَيَّ صُهْبَاءَ طَيِّبَةً النَّشْرِ (۳)

شاید یکی از عوامل اقدام مهدی این بود که وقتی او روی کار آمد که جنبشها و نهضت های ضد استبداد علویان بوسیله منصور سرکوب شده و آرامش نسبی برقرار شده بود.

در حال این آزادی و امنیت و رفاه اقتصادی موجبات رضایت قشرهای مختلف اجتماع را فراهم آورد و خون تازه ای در شریان حیات اجتماعی و اقتصادی جریان یافت و انعکاس مطلوبی پیدا کرد. البته اگر این برنامه ادامه پیدا می کرد آثار و نتایج درخشانی بیارمی آورد، ولی متأسفانه طولی نکشید که برنامه عوض شد. و خلیفه جدید چهره اصلی خود را آشکار ساخت و برنامه های ضد اسلامی خلفای پیشین از نو آغاز گردید ...

کانون عیاشی و فساد

«مهدی» در آغاز خلافت به پیروی از «منصور» که مردی خشک و با صلابت بود، خیل ندیمان و عناصر آلوده را که معمولاً در دربار خلفا بزم آرائی می کردند، به دربار راه نداد و از خوشگذرانی و مجالس عیش و نوش دوری جست، ولی بیش از یکسال نگذشته بود که تغییر روش داد و بساط خوشگذرانی و عیاشی را دایر نمود و ندیمان را مورد توجه فوق العاده قرار داد و هر چه خیر اندیشان و رجال بی نظر، عواقب ناگوار این کار را گوشزد

۱- مختصر تاریخ العرب ص ۲۱۳

۲- تاریخ الخلفا ص ۲۷۶

۳- یعقوب و سخنان او را رهاکن و با شراب گوارا دمساز باش! (کامل ابن اثیر ج ۵ ص ۶۶ -

الفخری ص ۱۸۵)

می کرد .

می نویسند: «قاسم بن مجاشع تمیمی» هنگام مرگ خود وصیتنامه ای نوشت و برای امضای مهدی نزد وی فرستاد ، مهدی مشغول خواندن وصیتنامه شد ولی همینکه به جمله ای رسید که قاسم ضمن بیان عقاید اسلامی خود ، پس از اقرار به یگانگی خدا و نبوت پیامبر اسلام (ص) ، علی (ع) را بعنوان امام و جانشین پیامبر (ص) معرفی نموده بود ، وصیتنامه را به زمین پرت نمود و آن را تا آخر نخواند (۴)

تحریم شراب در قرآن

نمونه دیگر از مخالفت شدید مهدی با مظاهر تشیع ، گفتگویی است که ما بین او و امام کاظم (ع) در مدینه رخ داد . در یکی از سالها مهدی وارد مدینه شد و پس از زیارت قبر پیامبر (ص) با حضرت امام کاظم (ع) ملاقات کرد و برای آنکه به گمان خودش از نظر علمی آن حضرت را آزمایش کند ! بحث حرمت «خمر» (شراب) در قرآن را پیش کشید و گفت : - آیا شراب در قرآن مجید تحریم شده است ؟ آنگاه اضافه کرد : مردم اغلب می دانند که در قرآن از خوردن شراب نهی شده ولی نمی دانند که معنای این نهی حرام بودن آنست ! امام فرمود :

- بلی حرمت شراب در قرآن مجید صریحاً

این روشن مهدی موجب گسترش دامنه آلودگی و لایا لیکری در جامعه اسلامی گردید و اشعار و غزلهای بی برده و هوس انگیز شعرائی مثل «بشار» ، همه جا دهن بدهن گشت و آتش به خرمن غفت و پاکی جامعه زد و صدای اعتراض بزرگان و افراد غیور از هر سو بلند شد. (۱)

خلیفه که سرگرم خوش گذرانیهای خود بود ، از وضع مردم دورماند و فساد و رشوه خواری رواج یافت و مأموران مالیات ، عرصه را بر مردم تنگ گرفتند ، خود وی نیز بنای سختگیری گذاشت و برای نخستین بار ، مالیاتهایی بر بازار بغداد بست (۲) و زندگی کشاورزان فوق العاده پریشان گشت و از شدت فشار و سختی به ستوه آمدند. (۳)

سختگیری فوق العاده نسبت به علویان

طرز رفتار مهدی از جهات مختلف با پدرش منصور فرق داشت ، ولی روش این دو ، در یک جهت مثل هم بود و آن سختگیری فوق العاده نسبت به «علویان» بود . مهدی نیز مثل منصور از هر گونه سختگیری و فشار نسبت به بنی هاشم فروگذار نمی کرد و حتی گاهی بیش از منصور خشونت نشان می داد . مهدی که فرزندان علی (ع) را برای حکومت خود خطرناک می دانست ، همواره در صدد کوییدن هر جنبشی بود که از طرف آنان رهبری می شد و با گرایش بسوی تشیع و همکاری با رهبران هاشمیان بشدت مبارزه

۱- حیاة الامام موسی بن جعفر ج ۱ ص ۲۳۶

۲- تاریخ یعقوبی ج ۳ ص ۱۳۷

۳- حیاة الامام موسی بن جعفر ج ۱ ص ۲۴۲

۴- کامل ابن اثیر ج ۵ ص ۷۲

بیان شده است .

— در کجای قرآن ؟

— آنجا که خداوند می فرماید: «بگو: پروردگار من ، همه کارهای زشت ، چه آشکار و چه پنهان و نیز «اِثْمُ» (گناه) و سرکشی بنا حق را حرام نموده است ...» (۱)

آنگاه پس از بیان چند موضوع دیگر که در این آیه تحریم شده ، فرمود مقصود از کلمه «اِثْمُ» در این آیه که خداوند آن را تحریم نموده ، همان شراب است زیرا خدا در آیه دیگری می فرماید : «از تو از شراب و قمار می پرسند ، بگو: در آن «اِثْمُ کَبِیر» و گناهی بزرگ و سودهائی برای مردم هست و گناهش

از سودش بزرگتر است» (۲) و «اِثْمُ» که در سوره اعراف صریحاً حرام معرفی شده ، در سوره بقره در مورد شراب و قمار بکار برده است بنا بر این شراب صریحاً در قرآن مجید حرام معرفی شده است .

مهدی سخت تحت تأثیر استدلال امام قرار گرفت و بی اختیار رو به «علی بن یقین» کرد و گفت: بخدا این فتوا! فتوای هاشمی است! علی بن یقین گفت: «شکر خدا را که این علم را در شما خاندان پیامبر (ص) قرارداد است» (۳)

مهدی از این پاسخ ناراحت شد و در حالی که خشم خود را بسختی فرو می خورد ؛ گفت : «راست می گوئی ای رافضی» !! (۴)

۱- قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ۖ وَأَلْبَسَ ۖ وَالْأَثْمَ ۖ وَابْتِغَىٰ بِنِجَابٍ ۖ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۖ ... (سوره اعراف آیه ۳۳)

۲- يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا لَكَبِيرَاتٌ مِّنْ نَّعْمِهِمَا .. (سوره بقره آیه ۲۱۹)

۳- مقصود وی این بود که بحکم قرابتی که میان بنی عباس و بنی هاشم هست ، علم و دانش امام کاظم برای مهدی نیز موجب افتخار است !

۴- کافی ج ۶ ص ۴۰۶

عالمترین محک

امیر مومنان (ع) می فرماید :

فی قلب الاحوال علم جواهر الرجال
در دگرگونی اوضاع ، حقیقت و گوهر اشخاص
معلوم می گردد .

(نهج البلاغه - کلمات قصار شماره ۲۱۷)